زبان تصویر در علم بیان

www.ketab.ir

نویسنده:

دکتر ماه نظری

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

سرشناسه	:	نظری، ماه، ۱۳۲۹ -
عنوان‌ونام‌پدیدآور	:	زبان تصویر در علم بیان/ نویسنده ماه نظری.
مشخصات نشر	:	تهران : انتشارات زوار، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	:	۲۸۴ ص.
شابک	:	978-964-401-598-4
وضعیت‌فهرست‌نویسی	:	فیپا
موضوع	:	بدیع
موضوع	:	'Badi*
موضوع	:	فارسی -- بدیع
موضوع	:	'Persian language --*Badi
موضوع	:	شعر فارسی -- مجموعه‌ها
موضوع	:	Persian poetry -- Collections
رده بندی کنگره	:	PIR۳۳۶۱
رده بندی دیویی	:	۸فا۴۲/۰
شماره‌کتابشناسی‌ملی	:	۸۵۳۹۸۷۶

www.ketab.ir

انتشارات زوار

▣ **زبان تصویر در علم بیان** ▣

▣ نویسنده: **دکتر ماه نظری** ▣

▣ **صفحه‌آرایی:** مریم جهانتاب ▣

▣ **ناظر چاپ:** فرناز کریمی ▣

▣ **نوبت چاپ:** اول- پاییز ۱۴۰۰ ▣

▣ **شمارگان:** ۵۵۰ نسخه ▣

▣ **چاپ و صحافی:** سیمین ▣

▣ **شابک:** ۴-۵۹۸-۴۰۱-۹۶۴-۹۷۸ ▣

▣ تهران؛ خیابان انقلاب؛ خیابان دوازدهم فروردین؛ نبش شهیدنظری؛ پلاک ۲۷۸ ▣

▣ تلفن: ۶۶۴۶۲۵۰۳-۶۶۴۸۳۴۲۳ نمابر: ۶۶۴۸۳۴۲۴ ▣

قیمت: ۸۸۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

مقدمه ۱۳
تصویر ۱۴
الف) تصویرهای اتفاقی ۱۷
ب) تصویرهای روایتگرایانه ۱۹
ج) تصویر حرکتی ۱۹
د) اشعار بی‌تصویر ۲۰
ه) تصویر در متن‌های بسته و باز ۲۰
رابطه و پیوند شاعر با اشیا ۲۱
الف) تصویر توصیفی ۲۲
ب) همدلی ۲۳
ج) همسان‌سازی ۲۵
د) یگانگی ۲۵
ه) حلول ۲۶
شعر ۲۶
علم بیان و صور خیال ۲۸
تخیل و خیال ۳۰
فصل اول: تشبیه ۳۱
تعریف تشبیه ۳۳
۱-۱- انواع تشبیه براساس ارکان (مفصل، مجمل، مرسل، مؤکد، بلیغ) ۳۵
۱-۲- تشبیه به اعتبار وجه شبه ۴۶
ا) وجه شبه تحقیقی ۴۶
ب) وجه شبه تخیّلی ۴۷
ج) وجه شبه وهمی ۴۸
د) وجه شبه کنایی ۴۹
ه) وجه شبه تأویلی ۴۹
و) وجه شبه ایهامی ۵۰
ز) وجه شبه دوگانه و مفرد ۵۰
ح) وجه شبه متعدّد ۵۲

www.ketab.ir

ی) وجه شبه تمثیلی ۵۲
تمرین: انواع تشبیه براساس وجه شبه و ادات تشبیه ۵۳
۱- ۳- انواع تشبیه به اعتبارحسی و عقلی ۵۴
تمرین: انواع تشبیه را براساس حسی و عقلی ۵۹
۱-۴ انواع تشبیه براساس مفرد و مرکب ۶۰
مشبه و مشبه به مفرد غیرمقیّد ۶۰
مشبه مقید و مشبه به مفرد ۶۱
مشبّه مفرد و مشبّه به مفرد مقیّد ۶۲
مشبّه و مشبّه به مفرد مقیّد ۶۲
تشبیه مرکب ۶۳
تشبیه مفرد به مرکّب ۶۵
تشبیه مرکّب به مفرد ۶۶
تشبیه مرکّب به مرکّب ۶۷
تفاوت تشبیه مفرد مقیّد و مرکّب ۶۹
تمرین: انواع تشبیه مفرد مقیّد، مفرد غیر مقیّد و مرکّب ۶۹
۱-۵- تشبیه تمثیلی ۷۰
فرق تشبیه مرکّب و تمثیلی ۷۲
۱-۶- تشبیه خیالی ۷۵
۱-۷- تشبیه وهمی ۷۶
۱-۸- تشبیه براساس تعدد طرفین تشبیه ۷۷
تشبیه جمع ۷۷
تشبیه تسویه ۷۸
تشبیه ملفوف ۷۹
تشبیه مفروق ۸۰
تشبیه معکوس و مقلوب ۸۲
تشبیه تساوی ۸۵
تشبیه تشابه ۸۵
تمرین: انواع تشبیه جمع، تسویه، مفروق، ملفوف، عکس و قلب ۸۶
۱-۹- سایر گونه‌های تشبیه ۸۷
تشبیه مشروط ۸۷
تشبیه تفضیلی ۸۸
تشبیه تفضیلی از طریق نهی ۹۰
تشبیه به طریق استفهام ۹۰
تشبیه پوشیده (مضمر) ۹۱
تشبیه مضمر تفضیلی ۹۲
تشبیه حروفی ۹۳

www.ketab.ir

تشبیه مغالطه ۹۳
تشبیه تلمیحی ۹۵
تمرین: تشبیه تفضیلی، مشروط، مضمر و غیره ۹۷
۱-۱۰- عناصر تشکیل‌دهنده تشبیه ۹۸
تشبیه با ساختار «یای» نکره یا جمع بستن اسم علم ۹۸
تشبیه با پرسش و پاسخ ۹۹
اعتقادات، مراسم و باورها ۹۹
شبکه‌های تداعی در تشبیه ۱۰۰
تشبیه با تجاهل العارف ۱۰۲
تشبیه ایهامی ۱۰۲
تشبیه همراه با ایهام ۱۰۳
تشبیه همراه با ایهام ترجمه ۱۰۳
تشبیه با ایهام چندگونه خوانی ۱۰۴
تشبیه دیداری ۱۰۵
تشبیه‌های شنیداری ۱۰۵
تشبیه‌های بویایی ۱۰۶
تشبیه‌های چشایی ۱۰۶
تشبیه با تکرار ۱۰۶
تشبیه داستان‌واره ۱۰۷
تشبیه حماسی یا روایی ۱۰۷
تشبیه اندام‌واره یا تناسب ۱۱۰
تشبیه با مدد اضراب ۱۱۱
تشبیه استدلالی ۱۱۲
تشبیه الذکر ۱۱۴
تشبیه با تصاویر گروتسکی ۱۱۴
تشبیه با اصطلاحات پزشکی ۱۱۵
تشبیه با اصطلاحات عرفانی ۱۱۵
تشبیه با ابزار سرگرمی ۱۱۶
تشبیه با اصطلاحات علوم مختلفه ۱۱۶
تشبیه بر اساس اوضاع اجتماعی ۱۱۷
تشبیه با عناصر اربعه ۱۱۷
تشبیه با اجرام آسمانی ۱۱۷
تشبیه با اصطلاحات موسیقی ۱۱۸
تشبیه با اصطلاحات شطرنج ۱۱۸
تشبیه با واژگان حماسی ۱۱۸
تشبیه با حسن تعلیل ۱۱۹

www.ketab.ir

تشبیه با پارادوکس ۱۲۰
تشبیه با شخصیت‌ها و اسطوره‌ها ملی ۱۲۰
تشبیه با آیات و واژه‌های قرآنی ۱۲۱
تشبیه با شخصیت‌های عرفانی ۱۲۱
تشبیه با اصطلاحات عرفانی در تشبیه ۱۲۱
آمیختگی، حلول، یگانگی ۱۲۱
۱-۱۱- تشبیه‌های زودیاب و دیریاب ۱۲۲
واژه‌های پر بسامد تشبیه ۱۲۲
تشبیه قریب ۱۲۳
تشبیه بعید ۱۲۴
تصویرهای ترکیبی ۱۲۴
۱-۱۲- اغراض تشبیه ۱۲۵
تشبیه برای مدح و ذم ۱۲۵
بیان مطایبه ۱۲۷
اظهار تمنی ۱۲۷
اظهار شادمانی ۱۲۸
اظهار غم و ابراز تحسر ۱۲۸
بیان کثرت ۱۲۸
بیان توصیف ۱۲۹
توصیف طبیعت ۱۳۰
در بیان دعا و نفرین ۱۳۰
بیان حال مشبه ۱۳۰
بیان توبیخ و تنبیه ۱۳۰
بی اعتباری دنیا ۱۳۰
بیان ارشاد و راهنمایی ۱۳۱
بیان تحذیر ۱۳۱
پند و اندرز ۱۳۱
عمل و عکس‌العمل ۱۳۲
بیان شگفتی مشبه ۱۳۲

فصل دوم: استعاره ۱۳۳

۲-۱- پیشینه استعاره ۱۳۵
۲-۲- تعریف استعاره ۱۳۶
۲-۳- ارکان استعاره ۱۳۸
۲-۴- قرینه صارفه ۱۳۹
۲-۵- استعاره به اعتبار جامع ۱۴۰
الف) تحقیقی ۱۴۰

www.ketab.ir

ب) تخیّلی ۱۴۱
۲-۶- انواع استعاره براساس طرفین ۱۴۱
۲-۷- استعاره مصرحه و مکنیه ۱۴۳
۲-۷-۱- انواع استعاره مصرحه ۱۴۳
الف) استعاره مصرحه مجرده ۱۴۵
ب) استعاره مرشحه ۱۴۸
ج) استعاره مطلقه ۱۴۹
د) استعاره مصرحه گسترده ۱۵۱
۲-۷-۲- استعاره مکنیه ۱۵۲
الف) اضافهٔ استعاری ۱۵۳
ب) استعاره غیر جاندار ۱۵۵
ب) استعاره تخییلیه ۱۵۶
۲-۸- جانبخشی ۱۵۷
۲-۸-۱- تشخیص یا انسان‌مداری ۱۵۷
۲- ۸- ۲ - آنیمیسم ۱۶۱
۲-۸-۳- تشخیص خطابی ۱۶۳
۲-۸-۴- جان بخشی با اجزای گسترده ۱۶۴
۲-۸-۵- تشخیص توصیفی – استدلالی ۱۶۵
۲-۹- استعاره به اعتبار لفظ مستعار ۱۶۶
الف) استعاره اصلیّه ۱۶۶
ب) تبعیه ۱۶۶
۲-۱۰- استعارهٔ مفرد ومرکب ۱۶۷
۲-۱۱- انواع استعاره بر اساس دو سویه (وفاقیه وعنادیه) ۱۶۹
۲-۱۲- استعاره قریب وغریب ۱۶۹
۲-۱۳- استعاره مفهومی ۱۷۱
۲-۱۴- استعاره تمثیلیه ۱۷۴
۲-۱۵- استعاره کنایی از نظر ساخت ۱۷۴
۲-۱۶- تفاوت بین استعاره تمثیلیه و کنایه ۱۷۶
۲-۱۷- استعاره تهکمیه ۱۷۸
۲-۱۸- سایر انواع استعاره ۱۸۰
استعاره‌های استدلالی ۱۸۰
استعاره طرد و عکس ۱۸۰
استعاره با مراعات‌النظیر ۱۸۰
استعاره روایی ۱۸۰
استعاره بر اساس اعتقادات و اسطوره ۱۸۱
استعاره‌های سورئالیسمی ۱۸۱

www.ketab.ir

تمرین: انواع استعاره‌ها ۱۸۲
فصل سوم ۱۸۵
۳- مجاز ۱۸۷
۳-۱- انوع مجاز مرسل ۱۸۸
۳-۲- انواع قرینه در مجاز ۱۹۰
۳-۳- مجاز عقلی (استعاره) ۱۹۱
۳-۴- انواع علاقه در مجاز ۱۹۱
علاقه جزئیّت ۱۹۱
مجاز به علاقه کلیت ۱۹۳
مجاز به علاقه حال و محل یا ظرف و مظروف ۱۹۳
مجاز به علاقه ماکان ۱۹۴
مجاز به علاقه مایکون ۱۹۵
مجاز به علاقه جنسیت ۱۹۶
مجاز به علاقه اشتقاق ۱۹۷
مجازبه علاقه رنگ ۱۹۸
مجاز به علاقه خصوص وعموم ۱۹۸
مجاز به علاقه مجاورت ۲۰۰
مجاز به علاقه لازمیت ۲۰۱
مجاز به علاقه ملزومیت ۲۰۲
مجاز به علاقه آلیت ۲۰۲
علاقه سبب و مسبب ۲۰۳
مجاز به علاقه سببیت ۲۰۴
مجاز به علاقه بدلیت ۲۰۵
مجاز به علاقه تضاد ۲۰۵
مجاز به علاقه قوم و خویشی ۲۰۶
مجاز به علاقه اطلاق و تقید ۲۰۶
مجاز به علاقه مضاف و مضاف‌الیه ۲۰۷
تمرین: انواع مجاز ۲۰۸
فصل چهارم: کنایه ۲۰۹
۴-۱- تعریف کنایه ۲۱۱
۴-۲- انواع کنایه به اعتبار مکنی عنه ۲۱۳
الف) کنایه از موصوف ۲۱۳
ب) کنایه از صفت ۲۱۷
ج) کنایه اسنادی ۲۱۸
د) کنایه فعلی ۲۲۲
۴-۳- کنایه بعید ۲۲۳

www.ketab.ir

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم
هست کلید در گنج حکیم (نظامی)

جوهر اصلی شعر، تخیل است. ارسطو در کتاب فن شعری، تخیل را نوعی حرکت باطنی می‌داند که بر اثر احساس به وجود می‌آید.

ادونیس «دنیای واقعی شعر را، دنیای نیمه‌خاموش و در عین حال پیدا و پنهان می‌داند.» (ادونیس، ۱۳۸۰: ۲۷۳) جاحظ نیز شعر را نوعی بافندگی و تصویر دانسته است به‌هرحال تصویر دارای جامعیت و شمولی فراگیری است که صور گوناگونی (اسطوره، تشبیه، استعاره، سمبول) را دربر می‌گیرد که هریک دارای نقطه ثقل و محوری هستند.

شعر و تصویر کوششِ شاعر در حیطه آگاهی و ادراک است که عنصر مادی را با جهان عاطفی و اندیشه خویش در یکدیگر می‌تند تا تصویر دیداری رخ نماید که بیشتر جنبه توصیفی، اعتقادی، تربیتی و فرهنگی دارد، چنان که راز بینی و رؤیای شبانهٔ سهراب در شعر زیر روی می‌نماید:

«حرف بزن ای زن شبانه موعود / زیر همین شاخه‌های عاطفی باد... / حرف بزن خواهر تکامل خوشرنگ / خون مرا پر کن از ملایمت هوش / نبض مرا روی زبری نفس عشق/ فاش کن... / حرف بزن حوری تکلم بدوی...» (سهراب، ۱۳۸۲: ۴۰۳)

در شعر یک نقطه محوری برای سازماندهی شعر و تصویرسازی وجود دارد که در تمام فضای آن، خودنمایی کرده و نقش فاعل را ایفا می‌کند و سایر اجزا را می‌پرورانند که به آن هسته مرکزی تصویر می‌گویند. به عنوان مثال شعر «زمستان» از اخوان ثالث یا «وای

www.ketab.ir

باران» از فریدون مشیری یا «داروگ» از نیما، هریک دارای نقطه اتکای ویژه‌ای هستند و اجزایی را می‌طلبند تا تصویر بتواند بین گوینده و مخاطب ارتباط برقرار کند و به خلق معنا و پیام بینجامد.

تصویر

«تصویر در لغت (صورت‌کردن، نقش‌کردن، رسم‌کردن، پیکر، نگار و تندیس) آمده است و در اصطلاح دانش روانشناسی، تصویر یا «تصویر ذهنی» بازتاب برخورد انسان با هستی‌و تأثیری است که از این رویارویی، در ذهن او باقی می‌ماند.» (عقدایی،۱۳۸۱: ۱۴) تصاویر هنگامی در شعر ارزشمند می‌شوند که با تخیل و خیال شاعرانه در هم آمیزند. این تخیل‌و خیال است که شاعر را از عامه مردم جدا می‌سازد و کلام،آفرینشی شاعرانه می‌یابد. شاعر از درآمیختن واقعیات با خیالات خود تصاویر بدیع و زیبایی می‌آفریند. با توجه به تصویرسازی‌ها و به‌کارگیری صنایع ادبی در شعرِ شاعر است که سبک‌ها ساخته می‌شوند. استفاده از تصاویر دور از ذهن و پیچیده یا تصاویر تکراری و نزدیک به ذهن یکی از شاخصه‌های سبکی است. در بین عربیان ایماژ (Image) همان تصویر است. می‌توان گفت: «با توجه به این‌که ایماژ هم از نظر لغت و هم از نظر اصطلاح برابر است با «تصویر» یک شئی، خواه تصویر ذهنی باشد، خواه مادی، شایسته است که آنچه در نقد ادبی جدید و کتاب‌های بلاغت فرنگی به نام ایماژ خوانده می‌شود (و بعضی از معاصران ما به عنوان تصویر از آن یاد می‌کنند) با کلمه خیال که در شعر و ادب قدیم عربی و فارسی استعمال شده است، برابر نهاده شود زیرا در گذشته از اینکه لفظ «ایماژ» از نظر لغوی به معنی تصویر و سایه و خیال است، از نظر فلسفی نیز حوزهٔ استعمال آن نزدیک به همین مفهوم اصطلاحی اهل نقد و ادب است.» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۳: ۱۰) «ناقدان معاصر از پیوستگی ایماژ و عاطفه به تفصیل سخن گفته‌اند و معتقدند که هر ایماژ باید عاطفه و شوری به همراه داشته باشد.» (همان: ۱۷)

زمانی که یک شاعر یا نویسنده، اشیا را به مرحله‌ای از ادراک ارتقا می‌دهد و جانبخشی می‌کند، تصویر دارای بار عاطفی یا ذهنی می‌شود، تا اندیشه مخاطب، به نوعی تلاش واداشته شود و به درک جدیدی از امور دست یابد و با پیشینه‌ای که از ویژگی‌ها و صفات آنها دارد با مدد حافظه، تداعی‌هایی صورت گیرد، وقتی سهراب مقوله «تنهایی» را باشئیء-دیگری چون چینی درمی‌آمیزد و به صورت خلقِ یک تصویر بصری ـ سمعی، یعنی شکستن چینی، شنیدن صدا و خُردشدن آن و ایجاد تنش را، به تصویر می‌کشد، خواننده به

www.ketab.ir

حساسیت و ظرافت نگرش وگزینش وی پی می‌برد. در این مرحله شاعر از شعرنگاری به شعرنگری می‌رسد زیرا شعر امری شهودی و درونی است که بی‌ارتباط با جهان بیرون نیست و بر پایه عنصر خیال و اندیشه واقع می‌شود، چنان که می‌گوید:

« به سراغ من اگر می‌آید / نرم و آهسته بیایید، مبادا که ترک بردارد / چینی نازک تنهایی من.» (سهراب سپهری)

این‌گونه تصاویر دارای هستهٔ مرکزی با بار مفهومی خاصی می‌باشند، مانند داروگ در شعر نیما به عنوان شخصیت اصلی، نظام فکری شاعر را در لایه‌های چندگانه‌ای از واقعیت و مفاهیم کنایی (بنابر اوضاع سیاسی ـ اجتماعی) در بر می‌گیرد:

«در درون کومهٔ تاریک من که ذره‌ای با آن نشاطی نیست / و جدار دنده‌های نی به دیوار اطاقم دارد از خشکیش می‌ترکد / چون دل یاران که در هجران یاران / قاصد روزان ابری داروگ! کی می‌رسد باران؟ » (نیما یوشج)

نیما برای پیام خویش واژه‌هایی را از آشیانه لغات گزینش می‌کند تا تصویر، به خوبی بتواند مفاهیم را در خود بپروراند. انتخاب «کومه» فقر و درویشی را تجسم می‌بخشد که از نی و علف ساخته می‌شود به عنوان سایه‌بان، یعنی تجسم خانه‌ای محقر، بیانگر حداقل زندگی و آسایش، از سوی دیگر شاعر، واژه کومه را با تاریکی ترکیب می‌کند تا بیانگر تنگناهای زندگی رقت‌بار جامعه باشد. ترکیدن جدار دنده‌های نی به خاطر خشکی و شرایط نامناسب اجتماعی، زندگی بی‌طراوت و ناخوشایندی را رقم می‌زند که گوینده چشم امید به آسمان دوخته و منتظر نجات‌دهنده‌ای است تا اوضاع بسامان شده را بشارت دهد. این ادراک تازه، با تصویر ذهنی مرتبط است نه شئی خارجی که در جهان مادی وجود دارد.

تصویر شاعرانه مقوله‌ای ذهنی است که به مدد نشانه‌های زبان‌شناسی (با جنبه‌های دیداری)، آفرینش می‌یابد. یعنی بیان نگرش، بینش، فرهنگ و تربیتِ شاعر، نسبت به جهان پیرامون خویش می‌باشد. به‌عنوان مثال «سرو» یک چیز است اما غلیان ذهنی شاعران در حالات مختلف برای بیان موضوع‌ها و هدف‌های گوناگون، به خلق تصویرهای متفاوتی می‌انجامد. گاه سرو در هیأت تهیدستی بی‌حاصل، گاه عارفی آزاده و از جهان تعلقات وارسته، گاه معشوقی زیبا اندام، یا اسیری پای در بند و غیره تصویرسازی شده و از سویی ارتباط تنگاتنگی به اوضاع اجتماعی - فرهنگی، سیاسی - اقتصادی و غیره دارد و با ژرف‌اندیشی و نگرش‌های چند جانبه (نیمه فلسفی و روانشناسانه) به ذات هنر نزدیکتر می‌شود.

اغلب تصویرهای ادبی، دارای لایه‌های چندگانه‌ای است که غیر از رویه و سطح، دارای

www.ketab.ir

ژرفا هستند، مانند تصویری‌های سوررئالیستی که از سطح می‌گذرند و حرکت به جهان مجهولات صورت می‌گیرد تا تصویر تبدیل به تصور شود و رازبینی و شهودگرایی سخنور القا گردد، چنان که حافظ می‌گوید:

حلقهٔ زلفش تماشاخانهٔ باد صبا
جان صد صاحبدل آنجا بستهٔ یک مو ببین (حافظ)

در حقیقت خیال سازنده، حس را به احساس؛ واقعیت‌ها را به خاطره هنری سرشار از ابهام و عینیت‌را به ذهنیت مبدل می‌سازد و شکل‌های تازه و بدیع می‌آفریند. در این‌حال تصویرهای ژرف و شگرف خلق می‌گردد تا از واقعیت به فراسوی واقعیت راه یابد، همچنین تصویرها - دارای جنبه‌های مجازی، توصیفی، اثباتی یا تصویرهای درهم تنیده می‌باشند، مانند:

آغوش ز خمیازهٔ زخم تو ببندم
گر بخیه خورد چاک دل، از موی میانت (علی خراسانی)

خمیازه بر چیزی کشیدن، کنایه از در آرزو و اشتیاق چیزی بودن است. شاعر با نسبت‌دادن صفات غیرعادی به اشیای عادی، کنار هم گذاشت اشیاء، مفاهیم و کلمات ظاهراً بی‌ارتباط با یکدیگر و به‌هم‌ریختن رابطه حقیقی، به آفرینش پرداخته است. زیرا خمیازه کشیدن حکایت از انسانی خسته و آزرده دارد که در آرزوی آرامش است و زخم و آسیب بازتاب واقعهٔ دیگر است هم چنین بخیه‌کردن چاک و زخم دل عاشق با موی بلند معشوق، شالوده شعری را فراهم کرده است تا ذهنیت خویش را تجسم بخشد. یا سعدی از زاویه‌ای دیگر به بیان کیفیت حال و زندگی خویش می‌پردازد و می‌گوید:

گویند روی تو سعدی که زرد کرد
اکسیر عشق بر مِسم فتاد و زر شدم (سعدی)

در بیت بالا، احساس و عاطفه شاعر معطوف به برقراری پیوند میان خود و عناصر طبیعت شده است به گونه‌ای سعدی برای زردرویی خویش، دست به بیان سلسله علت و معلول‌های ادبی می‌زند تا به یک تصویر اثباتی ـ توصیفی برسد و در کارگاه خیال، برای تحولات و ارتقای وجود، از عشق کیمیاگر مدد می‌جوید تا مس تن را به طلایی ناب مبدل سازد و زردچهرگی خود را توجیه نماید و از این رهگذر برتری و کمال روحی را بیان کند. یا حافظ می‌گوید:

اگر به زلف دراز تو دست ما نرسد
گناه بخت پریشان و دست کوتاه ماست (حافظ)

همچنین مولانا در بیت زیر برای بیان مفاهیم تعلیمی خویش و ارشاد مخاطب برای ارتقا

www.ketab.ir

و کمال جوی از یک تصویر اثباتی یا به بیان دیگر از تصویرهای ثابت و پذیرفته شده تلمیحی بهره برده است و این‌گونه تصاویر حاصل لحظه‌های هوشیاری و عقل‌گرایی شاعر است که نظیره‌ای برای تفکرات خویش می‌یابد و می‌گوید:

در چاه شب غافل مشو در دلو گردون دست زن
یوسف گرفت آن دلو را از چاه سوی جاه شد (مولوی)

مولانا، با چینشی آگاهانه در بیت مذکور، با مدد تلمیح، در ذهن مخاطبان، با رابطه تصویری شناخته شده، آن را به تصور مبدل می‌سازد و با همسان‌سازی، خلق قرینه‌ها و اسلوب معادله و برهان ادبی به اثبات تصویر و وضوح آن پرداخته است. از این طریق به اثبات تفکر خویش، که باید از چاه تاریکی‌ها گذشت و بلند نظری را پیشه کرد تا کمال روی نماید همان گونه که حضرت یوسف بعد از نجات از چاه کینه و زرق برادران توسط کاروانیان با گرفتن دلو از چاه نجات یافت و به مقام پادشاهی رسید به تحکیم اعتقاد خویش و ارشاد و اقناع مخاطبان پرداخته است. این‌گونه اشعار حاصل ضمیر خودآگاه شاعر است که بین امور حسی و ذهنی خویش ارتباط و نظم ایجاد می‌کند تا به مقصود دست یابد.

فروغ فرخزاد با هدف ترغیب و تحریض مخاطب، از یک تصویر و گفتگوی اثباتی سود جسته و اعتقادات خویش را ابراز می‌نماید:

«هیچ صیادی در جوی حقیری که به گودالی می‌ریزد / مرواریدی صید نخواهد کرد.»
(فروغ فرخزاد)

صائب برای بیان چشم اشکبار و اندوه بی‌کران‌خویش، همانند و همسان‌هایی در جهان طبیعی می‌یابد تا عواطف خویش را شرح دهد:

چون شیشهٔ شکسته وتاک بریده ام
عاجز به دست گریهٔ بی اختیار خویش (صائب)
من که روشن بود چشم نو بهار از دیدنم
یک چمن خمیازه در آغوش چون گل داشتم (همان)

الف) تصویر اتفاقی

ـ گاه شاعر به خلق زیبایی‌هایی دست می‌یابد که حاصل بی‌خویشتنی و ضمیر ناخودآگاه اوست، یا به عبارتی به شکار لحظه‌های بیخودی و ناگهانی رفته است و تابع قانون ثابتی نیست. این گونه خلاقیت‌ها براساس تصویر اتفاقی رخ می‌دهد، مانند:

زهی سلام که دارد ز نور دنب دراز
چنین بود چو کند کبریا سلام علیک (مولوی)

www.ketab.ir